

یک حرف بس است

www.ketab.ir

امیر رستمزاده

سرشناسه	: رستم‌زاده، امیر، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور	: یک حرف بس است/ امیر رستم‌زاده.
مشخصات نشر	: مشهد: بهار اندیشه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۰ص.
شابک	: ۷۹۷۸-۷۴-۶۳۶۳-۶۲۲-
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: داستان‌های مذهبی -- قرن ۱۴ Religious fiction -- 20th century داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ Persian fiction -- 20th century توبه کاران -- داستان Penitents -- Fiction داستان‌های اخلاقی -- قرن ۱۴ Ethical fiction* -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۲۹۷/۶۸
رده بندی دیویی	: ۸۷۴۹۸۶۵
شماره کتابشناسی ملی	

نشر و پخش همراه: ۰۹۱۵۳۱۶۰۳۷۳
Bahar12612@gmail.com



عنوان: یک حرف بس است

تألیف: امیر رستم‌زاده

ناشر: انتشارات بهار اندیشه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

طراح جلد: علی اکبر جامی

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۷-۷۴-۶۳۶۳-۶۲۲-۹۷۸

کلیه حقوق برای مؤلف/ نویسنده محفوظ است.

مقدمه

کتابی که پیش رو دارید معرفی و شرح حال انسانهایی است که در زندگی پر فراز و نشییشان، حوادث و اتفاقات گوناگونی به وقوع پیوسته است، حوادث و اتفاقاتی خودساخته، اما ناخوشایند، وقایعی که شنیدن و خواندن آنها آدمی را متادی و متالم می کند، وقایعی به رنگ سیاه از انسانهایی که سیاهی درونشان بر سفیدی درون آنها غلبه داشته است، انسانهایی که به طور معمول باید اوقات بسیار و زمانهای طولانی از عمرشان بگذرد تا آخر الامر بر اثر یک اتفاق تاثیر گذار و یا یک حادثه دگرگون کننده، تحولی در زندگی شان ایجاد شود و از ذلت گمراهی، رها شده و به راه حق و پاکی فطرت خود باز گردند و به واسطه این تحول و دگرگونی به سعادت دنیا و عقبی نایل شوند در واقع در دل این افراد هنوز کورسویی از امید و میل به بازگشت به

خویشتن وجود دارد و به تعبیر دیگر هنوز در خانه دل شان کسی هست که دق الباب‌های آسمانی را پاسخ گوید، «و این نشان دهنده این مطلب است که این افراد اگرچه در گمراهی و شقاوت به سر می‌برند اما با این وجود هنوز متصف به صفت نیکویی هستند که در حقیقت، استمرار در مبادرت ورزیدن به این صفت نیکوست که آخر الامر باعث نجاتبخشی آنان خواهد شد»، لکن همانطور که اشاره شد فقط آن اتفاق و یا رویداد تاثیر گذار است که باید به وقوع بپیوندد تا باعث دگرگونی و تحول درونی در این افراد بشود. اما در نقطه مقابل نیز انسانهایی وجود دارند که اشتغال به اعمال ناثواب و غیر انسانی، آنقدر درونشان را سیاه کرده و به خواب عمیق غفلت فرو برده که حتی بارقه‌های رحمانی که هرازگاهی در زندگانی هراسانی ایجاد میشوند، نتوانسته است آنان را از خواب غفلت بیدار کند و به وجدانشان آگاهی بخشد و موجی دگرگون کننده در زندگی ایشان بوجود بیاورد، می‌توان گفت که در دل این انسانهای غافل، دیگر هیچ کورسویی از امید به بیداری و بازگشت به خویشتن وجود ندارد. در واقع، دل این افراد به مرحله انجاماد رسیده و هیچ گرمایی این یخ تراکم شده را آب نمیکند و البته پرواضح است که جمود فکری و ذهنی، یکی از مهم ترین دلایل برای

غفلت و انحراف انسانها از مسیر حق و حقیقت میتواند باشد، اگرچه بسیاری از اینان با همین وضعیت شقاوت بار، دنیای فانی را ترک گفته و به شقاوت ابدی ملحق میشوند، اما همانطور که اشاره شد رستگاری و فرجام نیک، فقط متعلق به کسانی است که بالاخره موفق به ایجاد تحول در درون خود شده و از مسیر انحراف، بازگشته و راه صحیح و اطاعت و بندگی خداوند را یافته و آخر الامر با روی سپید به ملاقات آفریدگار خویش نایل می‌شوند که همانا فرمود: «والعاقبه للمتقين: عاقبت نیک از آن کسانی است که اهل تقوا و مراقبه باشند» (آیه ۸۳ س قصص)، طبق این آیه شریفه اگرچه اهل تقوا و مراقبه، علی القاعده عاقبت نیک در انتظارشان خواهد بود، اما توبه کنندگان و بازگشت کنندگان به مسیر حق و حقیقت نیز از این قاعده مستثنی نیستند و آنان نیز از فرجام نیک برخوردار خواهند بود آنجا که میفرماید: «ان الله يحب التوابين: خداوند توبه کنندگان را دوست دارد» (آیه ۲۲۲ سوره بقره) و آنجا که محبت باریتعالی به چیزی تعلق گیرد آن چیز قطعاً خیر خواهد بود و مورد فضل و رحمت الهی قرار خواهد گرفت. اما نکته قابل تأمل در بررسی زندگی انسانهای متحول شده و ره یافته، همواره اینگونه بوده است که تاثیر و اثر گذاری یک اتفاق و یا یک سخن تکان

دهنده، آری فقط یک اتفاق و یا یک سخن تکان دهنده و حتی دیدن یک رویا و یا یک خواب بیدارکننده! توانسته است به تنهایی تحول و رستاخیزی عظیم در درون ایشان ایجاد کند، رستاخیزی که این قدرت را داشته است که انسانی را از وادی شقاوت به سرزمین سعادت رهنمون سازد و این تحول مبارک، نتیجه همان کورسوی امیدی است که دردل ایشان سوسو می‌زده است. درحقیقت اگرچه قلب این افراد به تیرگی و سیاهی گراییده، لکن هنوزنقاط روشنی درقلبشان وجود دارد که امید به بازگشت و رجوع به پاکی و رستگاری را در وجود ایشان زنده نگه داشته است.

البته بسیار واضح و روشن است که ریزش باران در زمینهای شوره زار و صحراهای خشک و بی آب و علف، ازاین نظر که گیاهی در آن بروید و یا درختی در آن رشد کند هیچ اثری ندارد، بنابراین بسیاری از انسانها نیز، به مانند همان زمینهای شوره زاری هستند که بارانهای معنوی و رحمانی، هیچ اثری در درونشان نمی‌گذارد و این سیرظلمانی و دوری از فطرت الهی، نتیجه آن است که انسان آنقدر در منجلاّب شهوات و هواهای نفسانی غرق شده و آنقدر در ظلمت رذایل اخلاقی فرو رفته است که دیگر هیچ روزنه‌ای از انوار ملکوتی و رحمانی، به

روی خود باز نمی‌بیند و اساساً هیچ معنویتی را در زندگی خود درک نمی‌کند و فی الواقع خود را در یک زندگی کاملاً حیوانی محبوس کرده است.

البته این سنت خداوند باری تعالی است که کسانی که از روی علم و آگاهی به دنبال شهوات و هواپرستی هستند و بر کار خود اصرار می‌ورزند، «و کانوا یصرون علی الحیث العظیم» و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری دارند، آیه ۴۶ سوره واقعه از مسیر هدایت خارج می‌کند و (بر قلبها و گوشها و چشمهایشان مهر می‌زند و در گمراهی رهایشان میکند) «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشوه»، آیه ۷ سوره بقره).

در این رابطه نکته ای مهم وجود دارد که اهتمام به آن از نظر روانشناختی تعیین کننده خواهد بود و آن نکته این است که گمراهی و انحراف از مسیر حق می‌تواند دارای کیفیت و درجاتی باشد، اگرچه در اصل موضوع تاثیری ندارد و انحراف از مسیر حق، چه کم و چه زیاد گمراهی قطعی محسوب میشود، اما برای شخصی که در گمراهی به سر می‌برد و دچار انحراف از مسیر حق گردیده، کیفیت و درجه انحراف از اهمیت بسزایی برخوردار خواهد بود، این مطلب زمانی اهمیت خود را

نشان میدهد که شخص منحرف و گمراه شده از مسیر حق، می خواهد توبه کند و تصمیم به بازگشت بگیرد و می خواهد به مسیر حق و حقیقت بازگردد. اگر زاویه انحراف از مسیر حق بسیار زیاد و شدید باشد، اراده توبه و بازگشت، به سختی تمام و به هزار جان کندن به انجام میرسد و یا شاید هم این امر، غیر ممکن باشد زیرا لایه های انحراف آنقدر در یکدیگر تنیده شده اند که عبور از این لایه ها اگر چه محال نیست ولی امری جانفرسا و تقریباً غیر ممکن به نظر مینماید و تعداد اندکی می توانند به این امر مهم نایل آیند و اما برعکس اگر زاویه انحراف، اندک و ملایم باشد طبیعتاً اقدام به بازگشت و به فعلیت رساندن توبه، امری سهل الوصول و ممکن خواهد بود و یا شاید با یک عذاب وجدان کوتاه و یا یک پشیمانی مختصر، مطلب توبه در ذهن انسان متبادر شده و در عمل نیز به انجام برسد. بنابراین بهترین نتیجه عقلانی که در این زمینه می توان گرفت این است که دور نشدن از فطرت و عقلانیت و همچنین پرهیز از گناهان و اجتناب از کارهای غیر اخلاقی، بهترین رفتار می تواند باشد، در این زمینه سخنی از امیر المومنین علی (ع) راهگشا و موثر خواهد بود، آنجا که در حکمت ۱۷۰ نهج البلاغه میفرماید: "گناه نکردن آسان تر از توبه کردن است".